روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
۱۱۹۲ سال و ۴۵ روز گذشت
VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4726 | MON.OCT.05, 2026 | ISSN:2008-2886
دوشنبه | ۱۳ مهر ۱۴۰۵ | ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ | ۱۵ اکتبر ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۷۲۶ | ۴ صفحه | ۱۰ هزار تومان

بر اساس گزارش «گلدمن ساکس» سرمایه‌گذاران دیگر تمایلی به خرید اوراق بلندمدت خزانه‌داری آمریکا ندارند

آمریکا در بحران ابربدهی ۴۰ تریلیون دلاری

صفحه ۴

گزارش «وطن امروز» از اظهارات اصغر فرهادی در گفت‌وگو با «ورایتی»

نمی‌خواهیم آمریکایی شویم



همین صفحه

پل جنایت

اروپا چگونه با همکاری در ۵ هزار سورتی مأموریت پروازی هواپیماهای آمریکایی در وحشیگری ترامپ علیه مردم ایران مشارکت کرد



صفحه ۲

تیترهای امروز



پیشروی‌های چشمگیر نیروهای انصارالله در جبهه زمینی علیه مزدوران سعودی

تعز کلید پیروزی

■ گزارش «وطن امروز» از سرنوشت نبرد در جبهه تعز بر معادلات نظامی و سیاسی یمن

صفحات یک و ۳

نیویورک تایمز روایت صهیونیست‌ها درباره ارتباط کمک‌خلبان فلای‌دوبی با ایران را رد کرد

نقشه تل‌آویو روی هوا!

صفحه ۳

از استقراض بانکی تا بازار بدهی چرا پاستور مسیر تأمین مالی خود را تغییر داد؟

ویژه

صندوق‌ها خزانه‌دار دولت

صفحه ۴

خنده‌دارترین ادعای گروسی!



نگاه
حنیف غفاری

ادعای اخیر رافائل گروسی مبنی بر اینکه در صورت احراز کرسی دبیرکلی سازمان ملل متحد «به‌صورت کاملا مستقل» عمل خواهد کرد، بیش از آنکه یک موضع‌گیری دیپلماتیک یا مانیفست مدیریتی باشد، یک طنز تلخ و گزنده در تاریخ معاصر روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. مدیرکل فعلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حالی این ادعا را مطرح می‌کند که حتی خوش‌بین‌ترین ناظران بین‌المللی نیز به‌خوبی می‌دانند یگانه پیشران و محرک کارزار پنهان و آشکار وی برای تصدی‌گری پست دبیرکلی سازمان ملل، حمایت بی‌قیدوشرط ترونیکای غرب شامل آمریکا، انگلیس و فرانسه در شورای امنیت است. چگونه می‌توان از سیاستمداری که سال‌ها کارویژه‌ای جز کارگزاری منافع امنیتی واشنگتن و تل‌آویو نداشته، انتظار ارتقا به جایگاه «میانجی بی‌طرف صلح جهانی» را داشت؟

واقعیت آن است که ماجرای گروسی و رایزنی‌های مستمر وی جهت تصدی دبیرکلی سازمان ملل، صرفا یک مسأله فردی یا جاه‌طلبی شخصی نیست، این ماجرا نمودی آشکار از دگردیسی ساختاری و سیر انحطاط نهادهای چندجانبه پس از جنگ دوم جهانی است؛ نهادهایی که قرار بود ضامن امنیت جمعی، صلح و منافع مشترک جامعه جهانی باشند اما امروز به ورطه نوعی لمپنیسم دیپلماتیک، کاسبکاری سیاسی و تثبیت هژمونی قدرت‌های مسلط فروغلتیده‌اند.

سال‌های حضور گروسی در رأس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، یکی از سیاه‌ترین دوره‌های تقابل سیاسی با جمهوری اسلامی ایران و زیر پا گذاشتن استانداردهای پادمانی به شمار می‌رود. برخلاف اساسنامه آژانس که آن را یک نهاد فنی و حقوقی بی‌طرف تعریف کرده، گزارش‌های دوره‌ای و فصلی گروسی همواره با عینک امنیتی واشنگتن، لندن و پاریس نگاشته شده است. خط به خط و واژه به واژه گزارش‌های وی درباره فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز تهران، نه حاصل مستندات خدشه‌ناپذیر، بلکه محصول جلسات و رایزنی‌های پشت پرده با وزرای خارجه و انرژی ایالات متحده و دستگاه‌های اطلاعاتی غربی - صهیونی بوده است. استفاده از عبارات مبهم و تعابیر دومنظوره در گزارش‌ها، تعمدا با این هدف طراحی می‌شد تا بسترساز صدور قطعنامه‌های ضدایرانی در شورای حکام و ایجاد فشار روانی در کارزارهای تحریمی باشد. گروسی در تمام این سال‌ها نقشی جز بازوی اجرایی استراتژی ضدایرانی «فشار حداکثری» را ایفا نکرده است.

ادامه در صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از سرنوشت نبرد در جبهه تعز بر معادلات نظامی و سیاسی یمن

نبرد تعز، تغییر موازنه یمن



یادداشت
ابوالفضل ولایتی

در حالی غرب آسیا در آستانه سومین سالروز عملیات طوفان‌الاقصی قرار دارد که بحران و رویارویی حاکم میان جبهه مقاومت و دشمن آمریکایی - صهیونی، ابعاد جدیدی به خود گرفته است. در میانه فراز و فرودهای محور مقاومت در طول ۳ سال اخیر، مقاومت یمن را می‌توان موفق‌ترین ضلع محور در مواجهه با رژیم صهیونیستی و ارتجاع عرب قلمداد کرد. انصارالله در خلال ماه‌های پساهفتم اکتبر با حملات پی‌درپی موشکی و پهپادی به سرزمین اشغالی، در قامت حامی کلیدی آرمان فلسطین مطرح شد و در رویارویی‌های حزب‌الله و جمهوری اسلامی با رژیم تل‌آویو و ایالات متحده، به حمایت همه‌جانبه از تهران و مقاومت لبنان پرداخت.

از زمان وقوع جنگ رمضان تاکنون، خط روایی تضعیف محور مقاومت و رأس آن جمهوری اسلامی، به یکی از خطوط اصلی عملیات روانی محافل عبری - عربی مبدل شده است. رسانه‌های جریان اصلی با القای تضعیف روزافزون توان موشکی و پهپادی تهران، مدعی ورود محور مقاومت به نبردی فرسایشی شده‌اند؛ فرآیندی که با بزرگنمایی حملات ارتش رژیم به نوار غزه و جنوب لبنان و ضریب‌دهی به موضوع خلع سلاح مقاومت عراق، به زعم آنان زوال و اضمحلال جبهه مقاومت را رقم زده است. خط روایی مذکور در جبهه یمن نیز در طول ماه‌های اخیر با جدیت دنبال شده است. برآیند خطوط روایی رسانه‌هایی چون العربیه، الشرق‌الاوسط، الحدث، اسکای نیوز و الجزیره در طول ماه آگوست نشان‌دهنده ضعف مفرط مقاومت یمن و پیش‌بینی سقوط نزدیک صنعا و بندر حدیده بود؛ با این حال برخلاف روایت یادشده، انصارالله توانست در اقدامی برق‌آسا در حدفاصل سوم تا دهم سپتامبر، بخش عظیمی از نوار ساحلی تحت کنترل نیروهای وفادار به «طارق صالح» را از آن خود کرده و با تسلط بر جزایر دریای سرخ، به‌ویژه جزیره میون، اشراف کامل خود بر تنگه باب‌المندب را تثبیت کند.

در حالی که کمتر از یک ماه از فتوحات مقاومت یمن در مناطق ساحلی می‌گذرد، محافل وابسته به رژیم سعودی پروپاگاندای وسیعی را مجدد علیه انصارالله به راه انداخته‌اند؛ سیاستی دوستونی که از یک سو با برجسته‌سازی خبر در پیش بودن عملیاتی وسیع علیه انصارالله با مشارکت شماری از قدرت‌های جهان در صدد القای بازپس‌گیری مناطق تازه تصرف‌شده برآمده و از سوی دیگر در مسیر تکفیر مقاومت یمن در افکار عمومی اسلامی، با انتساب ادعای واهی حملات مقاومت یمن به ۲ شهر مقدس مکه و مدینه است.

الف) سیاست دوگانه تکفیر و تهدید نظامی انصارالله

شکست سنگین متحدان نظامی سعودی در جبهه‌های غرب و مرکز یمن در نیمه اول سپتامبر ۲۰۲۶ را می‌توان محصول ۲ مؤلفه انسجام داخلی انصارالله و تشتت حاکم بر جبهه مخالفان مقاومت یمن قلمداد کرد. تعارض منافع نیروهای درع‌الوطن وابسته به سعودی با جدایی‌طلبان مستقر در عدن (متحدان امارات) در کنار سوداهای شخصی طارق صالح، تمایلات اخوانی ساکنان مأرب و تحرکات ایذایی نیروهای وابسته به القاعده و داعش در مناطق شرق، همچنین میل احزاب و جریان‌های مستقر در استان پهناور حضرموت به استقلال نسبی از عدن، موجب شده جبهه جنوب در مواجهه با نیروهای شمال در وضعیت تشتت و چندپارگی قرار بگیرد و بلافاصله در برابر حملات سنگین انصارالله مبادرت به عقب‌نشینی کند. واکنش تمسخرگونه جدایی‌طلبان جنوب به شکست نیروهای طارق صالح به‌وضوح بیانگر عدم فرماندهی واحد مخالفان در مواجهه با انصارالله است. شماری از ناظران منطقه معتقدند اختلافات بنیادین وفاداران به امارات با نیروهای سعودی موجب شده آنان با خرسندی به تحولات ساحل نگریسته و آن را رخدادی مطلوب برای جدایی کامل مناسبات جنوب از شمال در مسیر تاسیس یمن جنوبی ارزیابی کنند.

از زمان پیشروی انصارالله در جبهه یمن، رژیم سعودی جهت خروج از بن‌بست و چالش مذکور، سیاستی مبهم و چندوجهی را به منظور مهار انصارالله در پیش گرفته است. ریاض ابتدا دست یاری به سوی کاخ سفید دراز کرد؛ مطالبه‌ای که با مخالفت صریح دونالد ترامپ همراه شد. در ادامه، رویترز و آناتولی از درخواست سعودی از ایران با واساطت وزیر کشور پاکستان جهت مهار انصارالله خبر دادند و جروزالم‌پست مدعی فشار بر عمان جهت میانجی‌گری برای واداشتن انصارالله به پذیرش آتش‌بسی ۲ هفته‌ای شد. ناکامی ریاض در دستیابی به توافقی موقت با صنعا موجب شده محافل سعودی جهت عبور از فضای نامطلوب یادشده، به سوی رژیم صهیونیستی و امارات متمایل شوند. تایمز اسرائیل و اسرائیل هیوم در سلسله گزارش‌هایی با پرده‌برداری از درخواست ریاض، فرصت فوق را تاریخی توصیف کرده و از مقامات تل‌آویو خواستند با پذیرش همکاری با ریاض، ضمن تضعیف انصارالله به‌عنوان دشمن مشترک، هرگونه کمک اطلاعاتی و نظامی را مشروط به عدول سعودی از شرط پذیرش دولت مستقل فلسطینی و پیوستن به پیمان آبراهام کنند.

به موازات تحرکات مذکور و در سایه تحلیل ناظران منطقه در خصوص ناکارآمدی پیمان مکه در دفاع از سعودی در برابر حملات موشکی و پهپادی انصارالله، مقامات و رسانه‌های سعودی کوشیده‌اند ۲ سیاست را با جدیت دنبال کنند: تأکید بر ایجاد اجماع بین‌المللی و منطقه‌ای جهت دفاع از سعودی ذیل ادعاهایی چون دفاع از آزادی کشتیرانی در دریای سرخ و تکفیر مقاومت یمن با طرح اتهام حملات انصارالله به مکه مکرمه و مدینه منوره. اعلام آمادگی فرانسه و انگلیس جهت همکاری نظامی با ریاض در کنار سفر منصور بن‌زاید به ریاض و طرح موضوع تأییدنشده اعزام هزاران نظامی پاکستانی به حجاز و درخواست جلسه اضطراری اعضای پیمان مکه و محکومیت‌های شدید ادعای حمله به مکه و مدینه از سوی برخی دولت‌های عربی - اسلامی، دستاویزی برای فضاسازی و تخریب انصارالله شده است. ریاض با فشار بر برخی نهادهای مذهبی جهان اسلام موفق شده بخشی از افکار عمومی را به سوی هدف مطلوب خویش هدایت کند. الأزهر در بیانیه‌ای به محکومیت حمله به مدینه منوره پرداخته و تولیت دینی مسجدالنبی، رابطه العالم الاسلامی و جمعیت مرکزی اهل حدیث پاکستان و شمار دیگری از نهادهای مذهبی اهل سنت با انتشار بیانیه‌هایی حملات ادعایی را تعرض به حرمت مدینه منوره و مقدسات اسلامی توصیف کرده‌اند. طاهر محمود اشرفی، رئیس شورای علمای پاکستان حتی یک گام فراتر نهاده و در کنفرانسی در دانشگاه اسلامی مدینه، انصارالله را گروهی تروریست توصیف کرده که هیچ ارتباطی با اسلام ندارد! این در حالی است که رابطه علماء الیمن با رد این ادعاها، نسبت دادن چنین اقدامی به انصارالله را نادرست دانسته و نسبت به استفاده سیاسی از قداست مکه و مدینه هشدار داده است.

حزام الاسد، عضو دفتر سیاسی انصارالله در جواب خبرپراکنی رسانه‌های سعودی مبنی بر حمله پهپادی انصارالله به یک نیروگاه برق در مدینه منوره و تلاش برای ایجاد فضای دینی علیه یمن نوشت: «عربستان پس از شکست طرح‌هایش در باب‌المندب، پیراهن مکه را به دروغ بلند کرد و امروز هم پس از شکست در جبهه تعز به پیراهن دروغین مدینه رو آورده! نسبت به مقدسات و در رأس آنها ۲ حرم مقدس مکه و مدینه، ما جان‌مان را هم می‌دهیم اما کسی که حرمت این مکان‌ها را با تطبیع و انواع کارهای لهو و لعب شکسته، سزاوار ادعای حمایت از آنها نیست».

فضاسازی مذکور در حالی است که بر خلاف ادعاهای مطروحه مبنی بر تاسیس ائتلافی فراگیر جهت مواجهه با انصارالله و تجهیز و تقویت نیروهای وابسته به سعودی، وضعیت میدانی در ۲ جبهه مأرب و تعز در وضعیتی کاملا متفاوت با تصویرسازی سعودی‌ها قرار دارد. برآیند تحرکات جبهه تعز و موفقیت انصارالله در تکمیل محاصره اغلب ورودی‌های منتهی به این شهر استراتژیک، گواه برتری مطلق مقاومت در مواجهه با ائتلاف مزدوران به رهبری سعودی است.

ادامه در صفحه ۲

نمی‌خواهیم آمریکایی شویم



دیدگاه
میلاد جلیل‌زاده

اصغر فرهادی که برای نمایش فیلم جدیدش با نام «داستان‌های موازی» در جشنواره فیلم ریو در برزیل (اکتبر ۲۰۲۶) حضور دارد، در حاشیه این رویداد گفت‌وگوی مفصل و تند و تیزی با نشریه ورایتی انجام داد که بازتاب گسترده‌ای یافت. اگرچه در روزگاری به سر می‌بریم که برای تایید و تحسین هر شخص یا لااقل عملی که از هر شخصی سر زده، به‌شدت باید با احتیاط عمل کرد، چرا که در این بلاروزگار پرتلاطم، از وضع و حال فردای هیچ‌کس نمی‌شود مطمئن بود، با این حال نمی‌توان از روی محتوای این گفت‌وگو به‌سادگی عبور کرد؛ گفت‌وگویی که به یک گره بزرگ تمدنی اشاره می‌کند و حقیقت این است که کمتر کسی توقع شنیدن برخی محتواهای آن را از زبان فرهادی داشت. وقتی خبرنگار ورایتی از وی راجع به فیلم «آرگو» که یک سال بعد از «جدایی» اسکار گرفت پرسید و حتی به این اشاره کرد که فیلم بن افلک، ایران را مانند یک جهنم تصویر کرده بود، فرهادی در پاسخ گفت: مشکل این نوع فیلم‌های هالیوود و بعضی آمریکایی‌ها این است که به جهان از بالا به پایین نگاه می‌کنند. روزی باید از آنها بپرسید: چرا احساس می‌کنید شما بالا هستید و ما پایین؟ من نمی‌فهمم چرا آنها این خودخواهی را دارند که بالا هستند. این کارگردان افزود: آمریکایی‌ها اغلب ادعا می‌کنند دموکراسی دارند اما در واقع ندارند. شما دموکراسی ندارید. این یک دروغ است. او سپس به این اشاره کرد که چند سال پیش، برای کار در یک پروژه، مدتی در آمریکا سکونت داشت و در طول تحقیقات، برای صحبت با مردان زندانی به سانفرانسیسکو سفر کرد و گفت: من با برخی افراد سیاه‌پوست در زندان آشنا شدم؛ برخی از آنها از کشورهای دیگر آمده بودند. آمریکای واقعی آنجا بود اما مردم جهان آن بخش از آمریکا را نمی‌بینند. وی در ادامه درباره آمریکایی‌ها این را هم گفت که «من با این موضوع مشکل دارم که آنها آرزو می‌کنند «روزی شما هم مثل ما شوید»، نه! من نمی‌خواهم».

در ادامه این گفت‌وگو در حالی که بهانه صحبت‌های فرهادی درباره جامعه آمریکا، فرهنگ آن، تمدنش و نگاهش به باقی دنیا هنوز سینمای این کشور بود، به عمیق نبودن فیلم‌هایی مثل آرگو اشاره شد و این کارگردان ایرانی کنایه‌ای ظریف به اوضاع سیاسی امروز جهان هم زد. فرهادی اظهار کرد: «در این فیلم‌ها همیشه یک مرد سفید آمریکایی دیگران را نجات می‌دهد. سوال من این است: چرا؟ چرا یک آمریکایی برای نجات مردم، به کوبا یا ایران می‌رود؟ چه کسی از شما خواسته بیایید و ما را نجات دهید؟» اسم بردن از ایران و کوبا تصادفی نیست و کنایه‌ای ریز به اهداف توسعه‌طلبانه و استعماری ایالات متحده، خصوصا در دولت تروریست دونالد ترامپ دارد و از آنجا که فرهادی با یک مجله آمریکایی صحبت می‌کرد، همین میزانسن خودبه‌خود دُز این کنایه را بالاتر می‌برد. گذشته از اینها اگر دقت کنیم، چنین حرف‌هایی که شاید برای اولین‌بار با این غلظت از زبان یک فیلمساز جشنواره‌ای ایران شنیده می‌شود، نقطه‌ای را نشان می‌دهد که او بنیان‌های استعمار را زیر سوال می‌برد. اصغر فرهادی خطاب به آمریکایی‌ها می‌گوید چه کسی گفته شما از ما بهترید و می‌توانید ما را نجات دهید؟ چه کسی گفته شما دموکراسی دارید؟ این دروغی بیش نیست. وی غربی‌ها را به سفیدنمایی جامعه خودشان متهم می‌کند و زندان‌های سانفرانسیسکو را تصویر واقعی ایالات متحده می‌داند، نه آن تصویر شیک و رویایی آمریکا که در هالیوود بازتاب می‌یابد. اینها حرف‌هایی است که نه‌تنها به دلیل جنگ اخیر، بلکه بر اثر اصطکاک تمدنی شدیدی که این جنگ هم از تبعات آن بود، برآمده‌اند. بله! هیچ‌کس توقع نداشت فرهادی چنین حرف‌هایی بزند اما این توقع نداشتن برای قبل از این جنگ است؛ زمانی که لوده‌های کله‌زرد هنوز تمدن ایران را تهدید به نابودی نکرده بودند. پس از این خط‌کشی صریح تاریخی، آدم‌ها به‌وضوح و روشنی در یکی از ۲ سر طیف‌ها قرار می‌گیرند؛ یا خائن هستند یا میهن‌دوست. صحنه از زمینه خاکستری‌اش به سمت سیاه و سفید شدن حرکت می‌کند و تکلیف عناصر و اجزای تاریخ روشن‌تر می‌شود. در چنین معرکه‌ای آدم‌ها خیلی با روح و روان خودشان درگیری دارند، چرا که برکنار ماندن از تمام این جدال‌ها و کشمکش‌ها تا پیش از این حس امنیت مطبوعی به افراد می‌داد اما حالا مرحله‌ای رسیده که افراد ناگزیر به انتخاب می‌شوند؛ اگر نه سکوت و انفعال‌شان هم خود به خود به یکی از طرفین معرکه نسبت داده خواهد شد. ذهن فرهادی از چنین دالانی عبور کرد و لااقل در این مقطع او را در حالتی می‌بینیم که این سوی نزاع تمدنی، در سمت میهنش ایستاده و درباره وطنش هم صرفا صحبت‌های رمانتیک گل و بلبلی نمی‌کند، بلکه بحث استقلال را پیش می‌کشد. این می‌تواند لحظه مهمی در زیست فردی وی و در جهان هنرمندان ایرانی باشد. خیلی‌ها از این به بعد جرأت می‌کنند مارپیچ سکوت را بشکنند و خطاب به آمریکایی‌ها بگویند دموکراسی شما دروغ است و شما از ما بهتر نیستید و ما به کمک‌تان نیاز نداریم. سال‌ها بود غربی‌ها با جشنواره‌های رنگارنگ‌شان، فیلمسازان ما و بسیاری از کشورهای دیگر را وامی‌داشتند تصویری عقب‌مانده از کشور خودشان نشان بدهند که محتاج امداد تمدن غرب است اما حالا شاخص‌ترین چهره جشنواره‌ای سینمای ایران در چشم مجری و خبرنگار یکی از مشهورترین رسانه‌های غرب نگاه می‌کند و همه این حرف‌ها را برمی‌گرداند.